



درس خارج فقه تربیتی ج ۱

فهرست:

۲مقدمات
۲نگاه کلی به فقه تربیتی
۲مسائل فقه تربیتی
۳قلمرو مفهوم تربیت
۳۱. تربیت خانوادگی
۳۲. وظایف حکومت در تربیت
۴۳. تربیت اجتماعی
۴تربیت اجتماعی به معنای ساحتی
۴تربیت اجتماعی به معنای نهادی
۵ادله تربیت اجتماعی (نهاد اجتماع)
۵ادله خاص
۶ادله عام
۶۱. قواعد عامه تربیت و تعلیم و تعلم
۶۲. قواعد خاصه تربیت به معنای تعلیم و تربیت
۷۳. قواعد خاص در تعلیم و تعلم
۷۴. قواعد عامه در تربیت



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمات

نگاه کلی به فقه تربیتی

حجم افعال و اعمال اختیاری که با تعلیم و تربیت صادر می‌شود و مشمول احکام خمس می‌شود به اندازه‌ای است که تعلیم و تربیت از این که مسائل آن در فقه پراکنده باشد، یا به صورت مسائل مستحدثه‌ای مورد بررسی قرار گیرد بیرون آمده است، این حجم و کثرت مسائلی که در افعال در مقام تعلیم و تربیت وجود دارد زیاد است و نیاز دارد که کتاب جدید فقهی به عنوان کتاب تعلیم و تربیت پایه‌ریزی شود مثل کتاب بیع و نکاح و...، یک کتابی با عنوان تعلیم و تربیت در عداد آن کتب فقهی جا دارد مورد توجه قرار گیرد و در همان جلد اول هم این مطلب گفته شد که مسائل تعلیم و تربیت در فقه همان افعال اختیاری است که در مقام تعلیم و تعلم و تربیت از مکلفان صادر می‌شود و همین‌طور گفته شد که این مسائل از سه جا (پرسش‌ها، سؤالات و موضوعات) اصطیاد شده است.

یک: موضوعات پراکنده‌ای که در خود فقه وجود داشته است.

دو: موضوعات پراکنده‌ای که در علم اخلاق است ولی صبغه فقهی هم داشته است.

سه: سؤالات و موضوعاتی که در تغییر و تحول زندگی و پیشرفت تعلیم و تربیت پدیدار شده و قابل‌عرضه در فقه است. مجموعه این بحث و حجم این بحث‌ها اقتضا می‌کند که کتاب جدید فقهی در این حوزه پایه‌ریزی شود و شاید حدود هفت هشت حوزه دیگر وجود دارد که کاملاً شایستگی دارد که در متن فقه هویت مستقلی به عنوان کتاب مستقلی پیدا کند و در جریان فقه قرار گیرد.

مسائل فقه تربیتی

نکته دوم: کل اباحت و مسائل فقه تعلیم و تربیت را می‌توان در دو بخش قرار داد:

بخش اول: تعلیم و تعلم



در این حوزه، مسائل تعلیم و تعلم و رفتارها و اعمال و فعالیت‌هایی است که از مربی و متربی در مقام تعلیم و تعلم صادر می‌شود.

بخش دوم: تربیت به معنای خاص

در حوزه تربیت به معنای خاص، فعالیت‌هایی که از مربی و متربی در مقام انتقال معلومات ذهنی نیست، بلکه در مقام تربیت به معنای خاص هست.

نکته سوم: به طور کلی تربیت از سه منظر قابل بحث است:

۱ - تربیت با نگاه فقهی که شامل نهادهای تربیتی می‌شود.

۲ - تربیت در نهاد حکومت و خانواده و نهاد عمومی جامعه.

۳ - تربیت از حیث ساحات تربیتی که شامل ساحات‌های عقلانی، جنسی، جنسی و عاطفی، روحی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی... می‌شود.

قلمرو مفهوم تربیت

۱. تربیت خانوادگی

در سال‌های گذشته در این بخش به تربیت خانوادگی به صورت نهادی نگریسته شده است، بیان شد که پدر و مادر و نهاد خانواده در برابر فرزندان و فضای خانواده چه مسئولیت‌هایی دارند، البته در این نهاد خانواده، ساحات‌ها نیز بررسی شد، همچنین وظایف تربیت خانواده در حوزه تربیت جنسی، بدنی، اقتصادی و عبادی، اخلاقی، اعتقادی و امثال این‌ها که جزء ساحات‌های درون خانواده بودند نیز مورد بررسی قرار گرفت.

۲. وظایف حکومت در تربیت

مبحث دوم، بحث وظایف حکومت در تربیت بود و بیان شد که نهاد حکومت در عرصه تربیت چه وظایفی دارد؟ در این بخش، کلیات و بخشی از ساحات مرتبط به این بحث مورد بررسی قرار گرفت، هرچند در مقام نگارش و تحقیق و



تدوین، در خیلی مواقع جای این مسائل و مباحث تغییر می‌کند و مطالب کم و زیاد می‌شود که برای تبدیل به کتاب و مجموعه منقح مسیره‌های زیادی را طی می‌کند.

۳. تربیت اجتماعی

در تربیت اجتماعی دو اصطلاح وجود دارد:

تربیت اجتماعی به معنای ساختی

تربیت اجتماعی به معنای ساختی بدین معناست که اسلام در مقام پرورش و تربیت اجتماعی افراد چه تکالیف و دستوراتی دارد؟ بحث احکام اسلام در مسائل و روابط اجتماعی نبود، بلکه احکام اجتماعی اسلام مفروض گرفته می‌شود و در این قسم احکام تربیت دیگران از حیث اجتماعیت و از حیث تقید به ارزش‌های اسلام تبیین می‌شود.

تربیت اجتماعی به معنای نهادی

در تربیت اجتماعی به معنای نهادی تکالیف عموم جامعه و نهاد جامعه بررسی می‌شود و بیان می‌شود که تکالیف عمومی جامعه در مسئله تعلیم و تربیت چیست؟ مثل این است که گفته شود تکالیف خانواده در تعلیم و تربیت چیست؟ بعد گفته شود تکالیف حکومت در تربیت چیست؟

در تربیت اجتماعی به معنای دوم وظایف جامعه در تعلیم و تربیت بیان شد که نهاد جامعه به معنای عام است که نهاد خانواده و حکومت یک اجزایی از آن نهاد عام است ولی در اینجا نگاه ما، نگاه کلان و عمومی است یعنی چه تکالیف تربیتی که بر دوش عموم جامعه قرار می‌گیرد که در ضمن این‌ها، می‌توان تکالیف عالمان را هم مورد بررسی قرار داد و هم می‌توان جداگانه بحث کرد، البته بیان شد که تربیت اجتماعی به معنای سوم خارج از بحث ماست.

تا اینجا در حوزه بخش دوم (تربیت) نهاد خانواده، نهاد حکومت و دولت و حاکمیت و همچنین ساحت‌های آن بحث شد، بحث جدید، تربیت اجتماعی به معنای دوم و نهادی است.

در تعریف تربیت اجتماعی به معنای نهادی دو نکته وجود دارد:

یک: مقصود از تربیت در اینجا، تربیت به معنای خودسازی نیست، بلکه مقصود همان معنای اصطلاحی یعنی فعالیتی که می‌خواهد برای تغییر در دیگری انجام شود، هست؛ مقصود از اجتماعی هم ساختی از ساحت‌های تربیت نیست، بلکه



مقصود، اجتماع عامل است، نه اجتماع متعلق تربیت؛ در تربیت اجتماعی ساحتی، اجتماعی، متعلق تربیت است، مقصود از اجتماعی در اینجا، یعنی عامل تربیت، یعنی وظایف آحاد جامعه که در این نهاد کلی که تعبیر جامعه از آن می‌شود، مثل تربیت خانوادگی که همان وظایف خانواده است. در تربیت حکومتی یا رسمی حاکمیتی مقصود این بود که حاکمیت چه وظایفی دارد؟ اینجا هم تربیت اجتماعی یعنی جامعه چه وظایفی در تغییر و تحول افراد بر اساس قوانین و مسائل اسلامی دارد که امر به معروف و نهی از منکر نیز ذیل این مجموعه قرار می‌گیرد.

دو: فقه در حوزه تربیت، عمدتاً وارد قلمرو اصول و روش‌ها می‌شود، مبانی کلان در حوزه فقه نیست، به این معنی که تحلیل واقعیت‌هایی که حالت توصیفی دارد از حیثه فقه خارج است، اهداف متوسط و رفتاری هم غالباً این‌گونه است. گرچه گاهی به فقه نزدیک می‌شود، ولی اهداف کلی و کلان و برخی از اهداف متوسط از فقه خارج است، فقه، عمدتاً در حوزه اصول و روش‌ها ترکیب و تأکید دارد، یعنی چه قواعد کلی باید رعایت شود و چه رفتارهایی باید صادر بشود تا تحولی در شخص انجام پذیرد و یا شخصیتی در شخص شکل گیرد یا دانشی به وی منتقل شود؟ چون موضوع فقه، فعل اختیاری و کیفیات فعل اختیاری مکلف است؛ و با توجه به تعریفی که از اصول در مورد تعلیم و تربیت بیان شد، فعل اختیاری، روش است و اصول هم کیفیات فعل اختیاری است.

در بحث تربیت اجتماعی و تعلیم و تربیت از حیث مکلف به معنای عام، وظایف آحاد جامعه و وظایف افراد جامعه به ما هم مکلف بررسی می‌شود نه با عناوینی مثل پدر و مادر و ...

ادله تربیت اجتماعی (نهاد اجتماع)

سه: در حوزه تکالیف عموم مکلفین به دو نوع ادله مراجعه می‌شود:

الف: ادله عامه ب: ادله خاصه

ادله خاص

ادله خاص تکالیف عموم مکلفین، وظایف هر مکلف را به صورت خاص در مقام تعلیم و تربیت بیان می‌کند مثل ارشاد جاهل که این دلیل خاص در حوزه تعلیم و تربیت است.



دلیل خاص در حوزه تکالیف عموم مکلفین به این شکل است که دلیلی به طور خاص وظیفه هر مکلف را در مقام تعلیم یا در مقام تربیت دیگران تبیین می‌کند مثلاً وظیفه هر مکلف را در مقام ارشاد جاهل بیان می‌کند.

ادله عام

اما ادله عام، تکالیف کلان مکلف را بیان می‌کنند که این عناوین یک مصداق‌های تعلیم و تربیتی هم دارند، مثلاً از تکالیف عمومی که گاهی واجب و گاهی مستحب است گاهی احسان به مؤمن هم است، این احسان به دیگران، مستقیماً یک تکالیف تربیتی نیست، ولی یکی از مصداقش این است که به دیگران دانش و علم بدهد ولی مفهوم این فعالیت، یک مفهوم خیلی اعم از یک فعالیت تربیتی هست، مثل احسان، برّ، نصح، خیرخواهی، حفظ نظام و عزت اسلامی و... که این مفاهیم عام بر فعالیت‌های تربیتی هم می‌تواند منطبق باشد.

مستندات ما برای تعیین وظایف تربیتی و وظایف آحاد جامعه دو قسم است:

۱. قواعد عامه تربیت و تعلیم و تعلم

قسم اول، مستندات و قواعد عامه‌ای است که فراتر از حوزه تعلیم و تربیت است. مهم‌ترین عناوین این است: احسان، برّ، نصح، اعانه بر برّ و تقوی، حفظ نظام، عزت اسلامی، اهتمام به عموم مسلمانان، پایه‌ریزی سنت‌های نیک و مواردی از این قبیل، این‌ها قواعد فقهی هستند که رفتارهای ما را تنظیم می‌کند ولی اختصاص به آموزش یا تربیت ندارد، ولی می‌تواند در ضمن قواعد کلی، آموزش و تربیت نیز انجام دهد. برخی از این عناوین مثل عدم اهانت، حرمت اهانت و عدم اضرار به دیگران قواعد سلبی است و عناوینی همچون احیاء سنت‌ها، اهتمام به عموم مسلمانان و ... قواعد ایجابی است، بنابراین قواعد موجود در این بخش به صورت سلبی، ایجابی و برخی به صورت الزامی و برخی رجحانی و هکذا استحبابی و تحریمی و تنزیهی است و در حالت کلی قواعد دو دسته رجحانی و مرجوحی پیدا می‌کند و امور رجحانی هم دو قسم می‌شود به همین ترتیب احکام اربعه پیدا می‌شود و خلاصه کلام اینکه، مجموعه‌ای از قواعد عامه می‌باشند که مستقیم به تعلیم و تربیت ربطی ندارد، بلکه یک عنوان کلی هست که در تعلیم و تربیت مصداق پیدا می‌کند.

۲. قواعد خاصه تربیت به معنای تعلیم و تربیت



نوع دوم مستندات، قواعدی است که خاص تربیت می‌باشد ولی نسبت به حوزه تعلیم و تعلم و تربیت در ابعاد دیگر عام است؛ مثلاً؛ هدایت دیگران، دعوت دیگران، این‌ها قواعدی هست که در خصوص تربیت است، اینجا بحث‌های تربیتی به معنای عام است که هم شامل تعلیم و هم شامل فعالیت‌هایی مثل موعظه و نصیحت و... می‌شود و هم فعالیت‌های انتقال معلومات را شامل می‌شود و هم تغییر شخصیت در ابعاد روحی و اخلاقی و... را در برمی‌گیرد.

۳. قواعد خاصه در تعلیم و تعلم

قسم سوم از مستندات، دربرگیرنده قواعد کلی می‌باشد که در حوزه تربیت به معنای علمی و تعلیم و تربیت وجود دارد و این قسم دو درجه خاص‌تر از قسم دوم است.

بنابراین دسته اول، قواعد عامی بود که تعلیم و تربیت و تعلم و فعالیت‌های دیگر را شامل می‌شد، دسته دوم، شامل تربیت به معنای تعلیم و تربیت می‌شود و دسته سوم قواعدی است که اختصاص به تعلیم و تعلم دارد مثل ارشاد جاهل، نشر علم، عدم کتمان علم و مواردی از این قبیل است.

۴. قواعد عامه در تربیت

قسم چهارم از مستندات، شامل قواعد عامه‌ای است که در خصوص فعالیت‌های تربیتی غیر تعلیمی وارد می‌شود مثل امر به معروف و نهی از منکر، بعد از آن که شخص می‌داند ولی مرتکب خلاف می‌شود می‌گوییم این کار را نکن، یعنی جایی که نمی‌داند بحث ارشاد جاهل است ولی اینجا می‌داند، مثل موعظه، امر و نهی، نصیحت، تواصی به حق که مفروض گرفته شده است که می‌داند، به دانسته‌هایش ترغیب و تشویق و توصیه می‌کند که عمل کند. بنابراین قواعد و عناوین فقهی که در تربیت به معنای عام که تکلیف مردم را روشن می‌کنند:

۱. یا از قواعد عامی است که در همه قلمروهای فقهی می‌توان به آن استناد کرد.

۲. یا در خصوص همه حوزه‌های تعلیم و تربیت است.

۳. یا در خصوص حوزه تعلیم و تعلم است.

۴. یا در خصوص تربیت به معنای خاص است.